

کالبدشکافی کمیسیون عرایض در جامعه ایران؛

با نگاهی به کتاب

اسناد قم در دوره پهلوی اول

(مجلس ششم تا دوازدهم ملی)^۱

فریدون شیرین کام

پژوهشگر

درآمد

اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع برای پژوهش‌های تاریخی است و ضرورت استفاده از آن‌ها در تاریخ‌نگاری اجتناب‌ناپذیر است. بیشترین اسناد، در آرشیوهای دولتی و خصوصی، مربوط به دوران قاجار و پهلوی حفظ شده است. اسناد نوشتاری، بر سایر منابع مثل تاریخ شفاهی ارجحیت دارد؛ به شرط اینکه معیارهای نقد تاریخی در کاربرد اسناد مورد توجه قرار گیرد. استفاده از اسناد باید همه‌جانبه و عمیق باشد و نه تزئینی و گزینشی. استفاده سلیقه‌ای از اسناد، مانع از دستیابی به تحلیلی جامع و پایدار می‌گردد.^۲ کارهای اسنادی متعددی از سوی سازمان‌های مختلف مثل سازمان اسناد ملی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی (وابسته به وزارت خارجه) مؤسسه تاریخ معاصر و... در ایران منتشر می‌شود. نحوه انتخاب، انتشار، تدوین و کیفیت آثار اسنادی، به دغدغه‌های سازمانی، فضاهای سیاسی، علایق محققین و سیستم نظارت در این مجموعه‌ها وابسته است. میلیون‌ها برگ سند، در این سازمان‌ها نگهداری می‌شود. محتوای این اسناد، صدها موضوع را شامل می‌شود و بر همین اساس در فایل‌های گوناگون دسته‌بندی شده است.

۱. محمدی، سیدمحمدحسین، اسناد قم در دوره پهلوی اول (مجلس ششم تا دوازدهم ملی) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲).

۲. نجف‌زاده، علی، «اهمیت و جایگاه اسناد در پژوهش‌های تاریخی»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش: ۱۹۲، اردیبهشت ۱۳۹۳؛ صص ۷-۲.

اگر دسترسی به سند در ایران آسان بود و به عبارتی، محققین به آسانی امکان دسترسی به سند را می‌یافتند و نیز تلقی بسیاری از سازمان‌های دولتی به اسناد، از جنس تملک شخصی نبود، شاید ضرورت کمتری، در انتشار این‌گونه آثار اسنادی وجود داشت. به نظر می‌رسد محقق شدن این آرزو و تغییر نگاه مدیران، مدت‌ها زمان ببرد. به هر تقدیر، انتشار این منابع اسنادی، گامی در بهبود فعالیت‌های پژوهشی به شمار می‌رود.

برخی از استادان و محققان نقش مهمی در انتشار اسناد در تاریخ معاصر ایران داشته‌اند. محمد رضوانی، ایرج افشار، جهانگیر قائم‌مقامی و صفایی و ... نقش مؤثری در انتشار اسناد در ایران تا سال ۱۳۵۷ ایفا نموده‌اند. در این راستا سهم قائم‌مقامی و انتشار مجله بررسی‌های تاریخی در دهه چهل و پنجاه، حائز اهمیت بسیار است. جمع‌آوری اسناد دوره صفویه تا قاجار، بخشی از اقدامات وی در زمینه گردآوری و انتشار اسناد به شمار می‌رود. او اسناد مربوط به مکاتبات درباری - اسناد حقوقی و قضایی و نامه‌های دوستانه و خانوادگی را گردآوری کرده است.^۱

شیوه‌های تدوین و آسیب‌شناسی آن در کتاب‌های اسنادی

این منابع، در برخی موارد همراه با جهت‌گیری‌های اثبات یا ابطال یک اندیشه انتشار می‌یابد. بخشی از اسناد که تأییدکننده مدعیات یا ایده‌های منتشرکننده می‌باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و اسنادی که مخالف آن دیدگاه نیست، کنار گذاشته و چاپ نمی‌شود یا مورد تحلیل و ارزیابی قرار نمی‌گیرد. دغدغه شناخت حقیقت و پاسخ به سؤالات مخالف آن ایده مرکزی، کمتر در این گونه آثار، مورد توجه است.

این سوگیری شدید، بیشتر در سازمان‌هایی اعمال می‌شود که وجه ساختار، مدیریت و کارکرد آن، تثبیت یک اندیشه خاص است. انتشار اسناد و داده‌ها، کمترین وجه فعالیت این مؤسسات را تشکیل می‌دهد. با همه این محدودیت‌ها، بخش‌هایی از همین منابع ناقص می‌تواند به محققین این حوزه در فهم برخی مسائل مربوط به ایران کمک نماید. برای ارزیابی و شناخت کتاب‌های منتشر شده، کافی است نگاهی اجمالی به کتاب‌هایی که از سوی مراکز اسنادی در طی بیش از سه دهه منتشر شده، بیندازیم. تفاوت در انتخاب اسناد و پرسش‌های زمانی، به‌شدت مشهود است؛ به طور مثال، به نظر می‌رسد درباره یک فعال اقتصادی مانند هژبر یزدانی در طی پنج تا هشت سال هیچ سندی مشاهده نمی‌شود. ممکن است در این موضوع، گزارشی نشده باشد یا به دلیل برخی موضع‌گیری‌های خاص محققین یا رویکردهای مدیریتی، از انتشار آن اسناد جلوگیری به عمل آمده باشد.

اما یکی از منابع قابل قبول در این زمینه، کتاب *اسناد انجمن‌ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی*، از منتشران مرکز اسناد ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۱ است. در این کتاب، بخش قابل توجهی از اسناد طیف‌های مختلف مربوط به جریان‌های سیاسی، ملی و مذهبی آورده شده است؛ گرچه کمتر سندی درباره جریان‌های رادیکال مذهبی با گرایش برخورد قهرآمیز مورد توجه قرار گرفته است. مشخص نیست علت آن، به فقدان اسناد یا دلایل دیگری مربوط بوده است. در تعدادی از کتاب‌های مربوط به اسناد، مبنای تدوین،

۱. «اهمیت اسناد در مطالعات تاریخی (گفت‌وگو با مجید تفرشی)»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش: ۱۹۲، اردیبهشت ۱۳۹۳؛ صص ۱۸-۸؛ هم‌چنین نک: همان، احمدزاده، محمدا میر، «تاریخ‌نگاری سندی»، صص ۱۹-۳۵.

زمان صدور اسناد است. بهروز قطبی در کتاب *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*، کل اسناد را به صورت زمانمند در ۶ بخش مربوط به سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ آورده است. به دلیل فقدان نمایه‌سازی موضوعی، خواننده برای فهم یکی از مشکلات اشغال‌گری مانند تصادف‌های رانندگی نیروهای وابسته به متفقین در ایران، یا دعوای شخصی، سرقت و ... مجبور است که کل کتاب را ورق بزند تا به اسناد آن دسترسی یابد.^۱ برخی کتاب‌های اسنادی تنها به تقسیم‌بندی کلی در زمینه اسناد اکتفا نموده‌اند. کتاب *اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران ۱۳۱۷-۱۳۰۱*^۲ اسناد را در دو بخش مدارس ایرانی و خارجی در ایران، تقسیم‌بندی و بر اساس ترتیب زمانی، منتشر نموده است. محقق می‌توانست تقسیم‌بندی‌های متنوعی مانند موقعیت استانی مدارس و ... را مبنای تدوین کتاب قرار دهد.

نحوه توضیح اسناد در مقدمه کتاب، بین محققین مختلف، متفاوت است. تعدادی از کتاب‌ها بسیار کوتاه به محتوای اسناد در مقدمه اشاره نموده و کمتر بررسی کیفی آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. در کتاب *مدارس ایرانی*، محقق به مطلبی کوتاه در مقدمه درباره محتوای اسناد بسنده نموده است و خواننده از خواندن این مقدمه، اطلاعات لازم مربوط به محتوای اسناد را به دست نمی‌آورد. محقق آذری شهرستانی، مقدمه روشنگری در توضیح اسناد مالی نوشته است. کتاب *اسنادی از عملکرد خاندان پهلوی رضا آذری شهرستانی*، از سوی مرکز اسناد وزارت خارجه انتشار یافته است. تعداد محدودی اسناد در این کتاب منتشر شده است. اسناد، به بخش کوچکی از سوءاستفاده‌های مالی از سوی حکومت پهلوی و وابستگان آن می‌پردازد.^۳ نویسنده ۳۴ سند را به ترتیب زمانی در این مجموعه درج نموده است.

کتاب *اسنادی رجال عصر پهلوی؛ ارتشبهده بهرام آریانا*، از دیگر کتب این عرصه است. مرکز بررسی اسناد تاریخی، به زندگی آریانا از دریچه اسناد می‌پردازد.^۴ آریانا پس از طی دوره ابتدایی، از اوان ۱۳۰۰ به مدرسه نظام پیوسته بود. اولین سند، مربوط به سال ۱۳۴۴ است و مشخص نیست چرا سندی مربوط به پیش از آن، در کتاب ذکر نشده است. بیش از سی سال از فعالیت نظامی وی، بدون ذکر سندی، مسکوت گذارده و خواننده در ابهام این گسست، رها می‌شود.

سیدعلی آل‌داوود در کتاب *اسناد و نامه‌های امیرکبیر*، بر اساس موضوع، در شش بخش، نامه‌ها و اسناد مربوط به امیرکبیر را دسته‌بندی و تدوین کرده است. این مجموعه به خواننده کمک می‌کند تا از دریچه اسناد و نامه‌ها، نگاهی به امیرکبیر در زمان مأموریت وی در استانبول در حکومت محمدشاه و هنگام صدراعظمی او در آغاز عصر ناصری بیندازد.^۵

سیدمحمدحسین محمدی، در کتاب *اسناد عرایض قم*، مقدمه مفصلی درباره محتوای اسناد نگاشته است. تعداد اسناد عرایض مربوط به هر دوره مجلس شورای ملی در جدولی ذکر شده است. نویسنده در مقدمه، فهرست‌وار، اسناد را در بیست موضوع دسته‌بندی کرده است. اسناد، اطلاعات مربوط به اصناف، راه،

۱. قطبی، بهروز، *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*، (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹، چاپ دوم).

۲. *اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران ۱۳۱۷-۱۳۰۱* (تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱).

۳. آذری شهرستانی، رضا، *اسنادی از عملکرد خاندان پهلوی* (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۱).

۴. *رجال عصر پهلوی؛ ارتشبهده بهرام آریانا* (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱).

۵. آل‌داوود، سیدعلی، *اسناد و نامه‌های امیرکبیر* (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰).

مالیات شهری و روستایی، بازار، جمعیت، امنیت، روستا، مرگ و میر، مدارس و ... را در بر می‌گیرد. اسناد بر اساس سه اولویت ۱. رعایت تنوع موضوعی ۲. اهمیت موضوعی و ۳. جنبه عمومی داشتن اسناد انتخاب گردیده‌اند.^۱

در ایران سازمان‌های مختلف، به ثبت، حفظ و گردآوری داده‌های اسنادی بر اساس مسئولیت‌های قانونی خود می‌پردازند. معمولاً تعداد کثیری از محققین به انتشار اسناد یک مجموعه در درون یک سازمان اکتفا می‌کنند. این نگرش باعث می‌گردد که چه بسا محقق و خواننده، تصور جامعی از کل موضوع مورد تحقیق نداشته باشند. برخی اسناد مجلس شورا در کمیسیون عرایض احتمالاً تنها در همین مؤسسه نگهداری می‌شود و کمتر نشانه‌ای از این موضوعات، در مراکز دیگر به چشم می‌خورد. البته این مسئله، تمام اسناد کمیسیون عرایض را شامل نمی‌شود و استثنائاتی نیز دارد؛ مثلاً وقتی فرد شناخته‌شده‌ای مثل اخوان در قم بازداشت شد، بخشی از اسناد باید در شهربانی قم موجود باشد.

نحوه ثبت و ضبط اسناد نهادهای نظامی، گاه به‌گونه‌ای پیچیده است که دسترسی به برخی از داده‌ها غیرممکن می‌نماید. در این گونه کتاب‌های اسنادی، کمتر امکان بررسی و جستجوی این اسناد وجود دارد.

نگاهی جامعه‌شناختی به عرایض

از زمانی که بشر خود را شناخته، در عرصه اجتماع زندگی کرده است. از کوچکترین سطح، به طور مثال خانواده، تا بزرگترین واحدهای بین‌المللی، کنش انسانی به صورت متنوع بروز و ظهور یافت. به نظر می‌رسد طرح متفکران بزرگ مثل جان لاک، هابز و ژان ژاک روسو درباره نظریه قرارداد اجتماعی عمدتاً معطوف به یک امر انتزاعی بوده است.^۲ برخلاف نظر اندیشمندان قرارداد اجتماعی، به نظر می‌رسد کمتر جامعه‌ای وجود داشته که پیش از قرارداد می‌زیسته است. اطلاعات مستندی درباره عصر پیش از زیست گروه، تیره، قبیله و نظم جمعی در دست نیست. بشر گویی دائماً به شکل جمعی زیست می‌کرد. همین شکل زندگی، تنظیم قواعد و قوانین را برای بشر ضروری می‌نمود. شکل‌گیری جماعت و ارتباط انسانی، تبعات متنوعی بر کنش انسانی داشته است. تفاهم و تعارض، بخشی از هویت هستی‌شناختی زیست جمعی انسانی است و امکان فرار از آن برای کنش جمعی قابل تصور نیست. همین معضل هستی‌شناختی انسانی، ضرورت تأسیس نهادها و سازمان‌های مختلف، به منظور حل مسائل مربوط به ارتباطات از جمله تنازع و تنش جمعی را ضروری نمود. نحوه حل مسائل و مشکلات کنش جمعی، از جامعه‌ای به جامعه دیگر لزوماً یکسان نیست. تجربه تاریخی، موقعیت جغرافیایی و سطح توسعه و مدنیت اجتماع، نقش مهمی در نحوه کنش جمعی و حل تنازعات بازی می‌کند. این نهادهای تأسیس شده مرتبط با روابط انسانی، در فرایند تاریخی، تحولات گوناگونی را طی نموده‌اند.

تحوّل نگرش در حوزه انسان‌شناسی پس از رنسانس باعث گردید که نظم و شیوه حل مسائل، از زاویه محلی به سمت نگاه جهانی خصوصاً در جهان توسعه‌یافته تغییر کند؛ به‌گونه‌ای که دسترسی به وکیل

۱. محمدی، همان؛ صص ۵۰.

۲. برای آگاهی از دیدگاه هابز و لاک درباره قرارداد اجتماعی، نک: کاپلستون، فردریک، فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم (تهران: سروش، ۱۳۶۲)؛ صص ۵۲، ۵۶، ۱۵۲ و ۱۴۸.

مدافع، رسانه آزاد، حضور هیئت منصفه، برخورداری از دادگاه منصفانه، حق تأسیس نهادهای مدنی، تشکیل اجتماعات و ... از ابتدایی‌ترین حقوق در شیوه حل تنازع تلقی می‌شود.

در اروپا و سپس سایر کشورهای توسعه‌یافته، پدیده‌ای مثل تفکیک قوا به طور نسبی پذیرفته شده است. بخشی از این تغییرات، ساختار قدرت را با فشار و مقاومت نهادهای مدنی، به سمت کارایی و پاسخ‌گویی نسبی هدایت کرد. همین مسئله، به شهروندان کمک کرد تا حدودی نسبت به پیگیری حقوق خصوصی و عمومی توانا شوند؛ به‌گونه‌ای که از حداقل امکانات لازم برای دفاع از دارایی، جان و حقوق خود برخوردار باشند؛ مسئله‌ای که این نوشته به آن می‌پردازد، عریضه‌نویسی در ایران، از نظر ماهیت و کارکرد با فرایند چانه‌زنی در جهان توسعه‌یافته متفاوت می‌باشد.

به نظر می‌رسد امکان طرح مشکلات و مسائل حوزه عمومی با مقامات عالی‌رتبه سیاسی و اجتماعی به صورت سنتی و عرفی و تا حدی پراکنده و غیرنهادمند در تاریخ پیشامدرن ایران وجود داشته است. در روایت شبه‌اسطوره‌ای از تاریخ ساسانیان، به زنجیری از خسرو انوشیروان اشاره شده که برای آگاهی از وضعیت اجتماعی، پیشنهاد شده بود و هرگاه به کسی ستم می‌شد، در روزی خاص می‌توانست با تکان دادن زنجیر متصل به اندرون کاخ، پادشاه را از مسئله آگاه نماید تا در قضاوتی عادلانه، رفع ستم کند. به نظر می‌رسد جدا از صدق و کذب این روایت، باید به رؤیای مردم و انتظار آنان از حکومت در هنگام ستم و دادخواهی اشاره کرد.

در تاریخ، اشکال متنوعی از نحوه رسیدگی به اعتراضات مردم ذکر شده است. ارسال فرستادگانی از سوی پادشاهان و وزراء برای رسیدگی به شکایات، شیوه رایج دادخواهی در عرصه مسائل اجتماعی بوده است. میرزا حسین‌خان مشیرالدوله (سپهسالار) در زمان وزارت عدلیه، به ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد که صندوقی به نام «صندوق عرایض» در تمام شهرستان‌ها برقرار کنند و به مردم آگهی دهند که شکایات خود از حکام و مأموران دولت را در آن صندوق بریزند. عرایض، ماهی یک بار از طرف مسئول مخصوص صندوق، جمع‌آوری و به‌وسیله پیک ویژه به تهران فرستاده می‌شد. شاه در باب شکایات، دستوری می‌داد یا آن را به وزارت عدلیه ارسال می‌کرد. صندوق عرایض برای دادخواهی مردم، وسیله آسان و مؤثری بود. این صندوق پس از چند سال به دلایل شکایات مغرضانه و بی‌امضا و کاغذهای نامربوط، برجیده شد.^۱ عوامل متعددی در گسترش عرایض در ایران اواسط عصر ناصری به بعد مؤثر بوده است. از نظر ططری،^۱ تأسیس چاپخانه،^۲ استفاده از کاغذ در مکاتبات،^۳ توسعه دیوان‌سالاری به لحاظ کمی،^۴ انتشار مطبوعات،^۵ تأسیس تلگرافخانه در اقصی نقاط کشور،^۶ تأسیس اداره پست، پاکت و تمبر، در کنار افزایش مشکلات اقتصادی، سیاسی، سیل، قحطی، ناامنی و ... در کثرت عریضه‌نویسی در ایران تأثیر بسیاری داشته است.^۲ حکومت با برپایی دیوان مظالم، فرهنگ عریضه‌نویسی را تأیید می‌کرد. اما شکل نوین و سازمانی‌تبت و پیگیری عرایض از سوی نمایندگان مردم در یک کمیسیون ویژه، گامی تازه در تأسیس نهادهای مدرن در ایران بود. نحوه حل مسائل عرصه عمومی توسط نمایندگان مجلس شورا، تجربه پارلمانی غرب بود. اروپا سال‌ها از سنت

۱. صفائی، ابراهیم، «صندوق عرایض شماره ۴۲»، نگین، ۳۰ آبان ۱۳۴۷؛ صص ۳۹-۴۰.

۲. ططری، علی، «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش‌های اسنادی»، پیام بهارستان، ش: ۴، تابستان ۱۳۸۸؛ صص ۴۷۶-۴۶۵.

پارلمانی برخوردار بود. چه بسا شکل‌گیری بسیاری از کمیسیون‌ها و از جمله کمیسیون عرایض با استفاده از سنت پارلمانی اروپا در مجالس ایران شکل گرفت. بر اساس تجربیات احتمالی مذکور، ساختار کمیسیون عرایض در ایران، این‌گونه تنظیم گردید:

۱. اسناد مالی؛

۲. اسناد حقوقی و قضایی؛

۳. اسناد دیوانیات مربوط به امور کشوری؛

۴. اسناد مربوط به مشکلات خصوصی افراد در زمینه فقر، اخراج، زندان و ...

شوهانی این نامه‌ها را به صورت دقیق‌تر و تحت ۵۳ موضوع، دسته‌بندی کرده است. به نظر می‌رسد حجم اسناد در زمینه‌های متعدّد، به قدری است که می‌توان تقسیم‌بندی‌های بیشتری از این اسناد ترتیب داد.

تعداد ده تا دوازده میلیون سند در آرشیو اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. حدود ۴ تا ۵ میلیون سند از این اسناد، اختصاص به کمیسیون عرایض دارد. بخشی از اسناد عرایض، متعلق به ۷ دوره مجلس سنا (۱۳۵۷-۱۳۲۸) است.^۱ آیا این عرایض را می‌توان به عنوان اسناد فرودستان تلقی کرد. به نظر می‌رسد این نام‌گذاری از نوع اطلاق جزء به کل و نادرست باشد. دوره‌ای که اسناد مورد بحث را شامل می‌شود، بیش از ۸۰٪ مردم ایران در مناطق روستایی و به صورت عشایر کوچ‌نشین زندگی می‌کرده‌اند. بخش قابل توجهی از این اسناد، متعلق به جامعه شهرنشین است. تنها بخشی از اسناد، از سوی گروه‌های محروم به نمایندگان مجلس شورا ارسال شده است و مطالعه محدودی درباره دسته‌بندی فرستندگان نامه صورت گرفته است. هنوز مطالعات گسترده‌ای از کمیسیون عرایض مربوط به شهرستان‌های مختلف انجام نشده است. به هر حال، اطلاق چنین عنوانی برای اسناد کمیسیون عرایض، محل اشکال است.^۲

استقلال نهاد حقوقی و کنترل قوه مجریه، از سوی مجلس شورای ملی در قانون اساسی پس از مشروطه ذکر شده بود. در عمل، این ایده تاکنون محقق نشده است؛ تمرکز قدرت هم‌چنان محل نزاع است و شیوه حل مشکلات نیز به طور کامل از ساز و کار سنتی خود خارج نشده است.

کتاب *اسناد قم*، بخشی از اسناد مربوط را به ما معرفی می‌کند. اما نویسنده به ماهیت و کارکرد کمیسیون عرایض در جامعه ایران در مقدمه نمی‌پردازد تا خواننده، تصوّر روشنی از کارکرد این پدیده نوین در ایران داشته باشد. به نظر می‌رسد سازمان‌های متعدّدی برای نظارت بر نهادها، خصوصاً پس از مشروطه، در زمینه حسابرسی مالی و اداری شکل گرفت اما این مجموعه‌ها کمتر قادر به کنترل منظم و حساب‌شده مؤسسات مذکور بودند؛ گرچه به طور سازمانی، نیروهای زیادی از سوی دولت در این مجموعه‌ها استخدام شده بودند. اما به نظر می‌رسد این سازمان‌ها در ایران از کارایی لازم برخوردار نبوده باشد. نشانه آشکار آن اینکه در فاصله هر ده سال، پرچم مبارزه با فساد، از سوی دولتمردی بلند می‌شد. شاید اگر نهادهای مربوط،

۱. ططری، همان.

۲. شوهانی، سیاوش، «عرایض؛ رهیافتی به تاریخ فرودستان»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر سوم، پاییز ۱۳۸۹؛ صص ۷۸-۴؛ تفسیر شوهانی از این اسناد، مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد.

۵۰٪ وظایف خود را به درستی انجام می‌دادند، نیازی به طرح دائمی مبارزه با فساد در اشکال متفاوت وجود نداشت.

دامنه گسترده مراجعه به کمیسیون عرایض، دلایل متعددی دارد. بخشی از آن به فقدان تجربه، سنت‌های تاریخی و مراحل اولیه تأسیس نهاد مجلس در ایران باز می‌گردد؛ به گونه‌ای که شاکیان با مراجعه به عالی‌ترین مقام سیاسی کشور، خواستار حل مسائل شخصی می‌شدند. همین شیوه حل مسئله در ارتباط با مراکز قدرت سیاسی، به طور ساختاری، در نظم سیاسی حاکم بر این جوامع، به زیست خود تداوم می‌دهد.

در جوامع توسعه‌یافته، نظارت و کنترل، در دو سطح داخلی و بیرونی طراحی شده است؛ از سویی نهادهای نظارتی در داخل سیستم سیاسی و یا اداری و ... به کنترل و بررسی دائم کارکنان و رعایت قوانین مشغول می‌باشند و از سوی دیگر، نهادهای نظارتی خارج از سازمان دولتی مثل حزب، رسانه و ... به کنترل، ارزیابی و نظارت بر فعالیت سازمان‌ها می‌پردازند. همه این فرایندها به تصحیح حوزه عمومی در جوامع توسعه‌یافته منجر گردید اما در جوامع توسعه‌نیافته، نهادهای بخش عمومی، متکفل نظارت و کنترل می‌باشند؛ نحوه گزینش و ارتقاء نیرو در سازمان‌های بخش عمومی، متأثر از وابستگی به نهادهای سیاسی می‌باشد؛ به همین دلیل، این سازمان‌ها عموماً کارایی و توان لازم برای برخورد با فساد را ندارند. اصلاح اجتماعی نیازمند پشتیبانی نهادهای مدنی و رسانه‌ای است تا در برابر فشار سوءاستفاده‌کنندگان سیاسی و اقتصادی ایستادگی کند.

در جوامع توسعه‌نیافته، ساختار قدرت، از یک سو به نهادهای مدنی مستقل از قدرت، اجازه فعالیت نمی‌دهد؛ احزاب مستقل از قشر حاکم، اجازه تشکیل، سازماندهی و فعالیت آزاد ندارند؛ و مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری آزاد، امکان شکل‌گیری در این جوامع را نمی‌یابند.

در چنین موقعیتی، ساختار قدرت، برای بقای کارکرد صحیح نهاد، اقدام به تأسیس نهادهای متعددی می‌نماید که آن هم با الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته صورت می‌گیرد اما به دلیل یک‌سویه بودن این سازمان‌ها بدون کنترل جامعه مدنی، تاکنون معطوف به نتیجه نبوده است.

قابل ذکر اینکه اگر مؤلف محترم کتاب اسناد قم در مقدمه به این نکات می‌پرداخت، می‌توانست در تبیین و تحلیل اسناد قم، نکته‌های بدیعی را به دست دهد. به گمان نگارنده این سطور، بدون توجه به این نکات، کتاب مورد بحث، مجموعه‌ای از داده‌های پراکنده تلقی می‌شود.

اسناد قم در دوره پهلوی اول

در این مجموعه اسنادی، محقق در مقدمه، درباره نحوه انتخاب، دسته‌بندی و نحوه تصحیح اسناد برای خوانندگان کتاب، توضیحی روشن‌گرانه می‌دهد؛ گرچه این نگاشته سودمند، نیازمند توضیح بیشتری در باب برخی مفاهیم مثل حقوق خصوصی و عمومی است.

جدول شماره یک، مربوط به مجلس شورای ملی از دوره ششم تا دوازدهم نمایندگان قم و رؤسای مجلس، در فهم بخشی از بازیگران سیاسی محلی کمک شایانی می‌کند. احتمالاً آگاهی از فرمانداران و رؤسای شهربانی قم، در دوره ۱۶ ساله پهلوی اول، کمک بیشتری در شناخت بلوک محلی قدرت می‌کرد اما

به دلیل عدم ارتباط مستقیم با متن، مورد توجه محقق قرار نگرفته است. هم‌چنین جدول شماره دو، تحویل تشکیلات اداری و دولتی، نخست‌وزیران، کابینه‌ها و تقسیم‌بندی تشکیلات وزارتخانه‌ها در دوره رضاشاه، می‌توانست نمایی کلی از سازمان‌های این دوره به دست دهد.

محقق با آوردن نقشه شهرستان قم و حرم فاطمه معصومه در دهه بیست و سی، به خواننده در فهم جغرافیای تاریخی مربوط به اسناد یاری می‌رساند؛ هم‌چنین الحاق عکس‌های برخی از افراد ذی‌نفع شهر قم در انتهای کتاب، امری پسندیده به نظر می‌رسد.

اسناد عرایض بر اساس ارتباط موضوعی، بین نه وزارتخانه و اداره دسته‌بندی شده است. اسناد مربوط به وزارت داخله، مالیه و عدلیه با تعداد ۷۶ و ۷۲ و ۲۸ سند، از بیشترین فراوانی عرایض برخوردارند. از عرایض، موضوعات مربوط به حوزه شخصی، اغلب کنار گذاشته شده و اسنادی مورد توجه محقق قرار گرفته که وجه عمومی آن غلبه دارد. مؤلف با توضیح وازگان تخصصی و تصحیح خطاهای املائی، در امر خوانش اسناد به خواننده کمک می‌نماید. خواننده علاقه‌مند به مسائل مربوط به مطالعات منطقه‌ای، با تعداد کثیری از اسناد بخش‌های مختلف مالی، سیاسی، عمرانی و آموزشی قم طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ آشنا می‌شود.

از اسناد مهم کتاب، مربوط به وقایعی از سنت بست‌نشینی توسط گروهی مجرم می‌باشد؛ آنان برای گریز از هزینه عمل مجرمانه خود، اولاً به طور جمعی اقدام به قتل «میرزا مسیح‌الله جواهری» و مجروح کردن برادر وی در روستای وشنوه نمودند؛ ثانیاً به صورت جمعی در حرم حضرت معصومه برای فرار از مجازات، متحصن شدند. تعداد ۳۲ نفر از تجار و کسبه قم نسبت به بی‌تفاوتی دولت در برابر قاتلان، به مجلس شورای ملی شکایت نمودند. در حاشیه سند، از سوی کمیسیون عرایض، موضوع به وزارت داخله ارجاع شده است. به دلیل فقدان اسناد مربوط، خواننده متوجه نمی‌شود که سرنوشت متحصنان مجرم به کجا انجامیده است.^۱

بخشی از اسناد کتاب محمدی، بیانگر شیوه رفتاری نهادها با مردم است. نامه‌ای از رعایای قریه خلج مبنی بر دریافت اضافه مالیات از سوی محمودسلطان نمونه‌ای از این مورد می‌باشد؛ راجع به تعدیات محمودسلطان، ۱۶۰ تومان اضافه مالیات، و با اطمینان از بستگان در عدلیه مرکزی، پنجاه روز با وکالت از روستاییان به اداره مالیه و عدلیه رفته؛ منتج به نتیجه نشده ... به روایت شاکیان، به دلیل نفوذ خویشاوندان محمودسلطان در دادگستری، امکان بررسی عادلانه مسئله، فراهم نبوده است؛ به همین دلیل، ایشان خطاب به رضاشاه از وی دادخواهی نموده‌اند.^۲ از نظر شاکي، سایر فرایندهای سازمانی، قادر به حل مسئله نبوده است.

محقق در اسناد مربوط به وزارت صنعت و تجارت، چهار سند ۱۴۷ تا ۱۴۷/۳ مربوط به دی و بهمن ۱۳۱۶ را انتخاب نموده است؛ سند اول، مربوط به شکایت عباس قمی است. موضوع در مورد اعطای مجوز جدید به یک تاجر به نام صدر محلاتی جهت تأسیس کارخانه پنبه در محلات است. عباس قمی در ۸ کیلومتری محلات، صاحب کارخانه پنبه بود. طبق اسناد موجود، مقرر شد به دلیل کمبود پنبه در منطقه،

۱. محمدی، همان؛ صص ۲۵۵-۲۵۴.

۲. همان؛ صص ۲۸۵-۲۸۴.

تمام محصول این کارخانه برای تصفیه فرستاده شود و او به این امر، اعتراض داشت زیرا به ناچار، کارخانه قمی تعطیل می‌گردید و سرمایه او نابود می‌شد و او قادر به پرداخت قروض خود نبود. در سند بعدی، صنف حلاج قم در خصوص ممنوعیت شرکت پنبه از خرید جوزق^۱ و توقیف وسایل کار ریسندگی اعتراضاتی داشته‌اند. در سند آخر همین بخش، به نظر می‌رسد، اعتراض صنف حلاج مورد توجه قرار گرفته است؛ به همین دلیل، وزارت تجارت به شرکت سهامی پنبه شعبه منطقه، دستور داده تا مقداری جوزق، وارد و برای مساعدت با صنف مذکور، بین آن‌ها توزیع نمایند. اما درباره توقیف وسایل ریسندگی سخنی در بین نیست. نکته مهم در این سند، محدودیت عرضه و تقاضای پنبه در داخل کشور، به تعهدات شرکت پنبه دولتی جهت صدور پنبه به خارج از کشور، مربوط است.^۲

در برخی از عریضه‌ها، به دلیل ناامیدی از نهادهای رسیدگی کننده، تعبیراتی از قبیل «آنچه البته به جایی نرسد، فریاد است» خطاب به رئیس مجلس شورای ملی آمده است؛ یا نمونه‌هایی دیگر:

اگر گندم، قاچاق بوده، ساعت بغلی بنده و کیف کاغذ و پول و مادیان و دستمال جیب بنده، چه گناهی داشته است؟ همان مأمورین در موقع طی هر فرسخی، ده تومان از بنده می‌گرفتند که دست بسته بنده را قدری سست‌تر نمایند؛ فریاد! فریاد! از دست این مأمورین بی‌انصاف.^۳

از مشکلات اغلب این نوع از اسناد عرایض (شکایت‌ها)، یکی این است که به نظر می‌رسد راهی برای کشف حقیقت در زمینه ماهیت دعوا و مدعای شاکی و ... وجود ندارد؛ به همین دلیل، خواننده از نتایج بررسی اغلب شکایات شاکیان، مطلع نیست. البته اسنادی نیز از این قاعده، مستثنی هستند؛ اسنادی که کمیسیون عرایض درباره آن‌ها اظهار نظر تخصصی کرده باشد.^۴

در یکی از عریضه‌های جمعی که از سوی اهالی نطنز و جوشقان خطاب به مجلس شورای ملی در ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ هـ.ق. / ۱۲۹۰ هـ.ش. فرستاده شده، از ستم‌های کاشانی‌ها به ایشان این‌گونه یاد می‌شود: همیشه الواط و اشرار کاشان مانند گرگ گرسنه، منتظر بودند که به بهانه یک مأموریتی، به جان اهالی این محل افتند و مخارج بیکاری چندین ساله خود را از یک مأموریت، اندوخته نمایند...

به نظر می‌رسد مسئله اصلی نویسندگان عریضه، درخواست استقلال حوزه عمل شهرستان نطنز از کاشان بوده باشد. شبیه همین شکایت در برخی از مناطق پیرامون قم درباره وابستگی به یک منطقه خاص، وجود دارد؛ از جمله از سوی اهالی دستجرد خلجستان، چند عریضه در دی ماه ۱۳۰۷ به مجلس شورای ملی فرستاده شده مبنی بر اینکه این مناطق از نظر اداری همچنان به قم وابسته باشند، در حالی که حکومت آشتیان در نظر داشته خلجستان زیرمجموعه این شهرستان قرار گیرد که عریضه‌نویسان مخالف آن بوده‌اند.

۱. غلاف پنبه که هنوز پنبه از آن جدا نشده است.

۲. همان؛ صص ۳۳۷-۳۴۱.

۳. همان؛ صص ۱۷۶-۱۷۵.

۴. برخی از موضوعات که درباره آن، تحقیقات مستقلی صورت گرفته، امکان قضاوت و بررسی صدق و کذب مسئله در باب آن‌ها وجود دارد.

در همین اسناد، عریضه‌ای بر خلاف نامه قبلی، از سوی دو نفر از اهالی خلیجستان مبنی بر درخواست جدایی از قم وجود دارد که پاسخ وزارت داخله در پرونده موجود است.^۱

چند سند، مربوط به بازداشت یکی از فعالان اقتصادی و سیاسی مثل اخوان، در اداره نظمیة قم می‌باشد. احمد اخوان در طی دو سند ۱۳۱۱/۱ و ۱۳۲/۲ به بازداشت غیرقانونی ۹ روزه خود در نظمیة قم به اداره تحقیق نظمیة کل کشور در اسفند ۱۳۱۳ اعتراض نموده که البته به دلیل طبیعت این نوع مطالعات اسنادی، رسیدگی به آن و سرانجام کار، نامشخص است. به نظر می‌رسد مؤسسات اسنادی باید دو امر گردآوری اسناد و ارزیابی اسناد - حداقل به صورت کلی - را باهم لحاظ نمایند. انتشار صرف اسناد، گرچه گامی اولیه و کمکی بزرگ به محققین به شمار می‌رود اما توضیح علل و ماهیت شکل‌گیری این‌گونه اسناد می‌تواند گامی مهم در زدودن نقاط تاریک از تاریخ معاصر ایران باشد.

ضمن معرفی و برشماری برخی ویژگی‌های اسناد قم در دوره پهلوی، نکات دیگری در نقد این مجموعه ارزشمند اسنادی، ارائه می‌شود؛

تعدادی از شکایات، از مناطق اطراف قم و روستاهای آن مثل خلیجستان، وشنوه، اردهال و ... می‌باشد؛ در دوره کنونی که بیش از ۷۳ سال از آخرین اسناد موجود می‌گذرد، بسیاری از این مناطق، تغییر نام داده یا به دلیل توسعه شهری در یکدیگر ادغام گردیده‌اند. محقق برای توضیح، تنها به ذکر عرض و طول جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا منقول از فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور اکتفا نموده است و به نظر می‌رسد برخی توضیحات جغرافیایی مربوط به وضعیت فعلی این مناطق، به خواننده در فهم مطالب کتاب و ارتباط امروزی آن با اسناد، کمک می‌کرد؛^۲

عدم تفکیک اسناد مربوط به تنازعات خصوصی (اشخاص حقیقی) با اسنادی که از جهاتی عمومی به شمار می‌آید، خواننده را دچار اشکال می‌نماید؛ که مبنای انتخاب اسناد چه بوده است؟ بدیهی است که اهمیت و ارزش این اسناد با اسناد مربوط به مدیریت یا ناکارایی بخش عمومی یکسان نیست. اولویت‌بندی در انتشار اسناد دوره تاریخی مورد نظر (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی) مشخص نیست؛ اسنادی که وراثت ابراهیم حکیم‌باشی از برقراری مستمری پدرشان دارند یا یک سریدار از تأخیر دریافت حقوق دارد با شکایات رعایای اردهال از اقدامات ستمکارانه نایب‌الحکومه یا شکایت از تعدیات ملکی و مالیاتی نسبت به قریه نصرت‌آباد از حیث اهمیت و اولویت انتخاب، قطعاً متفاوت و نیازمند تدقیق و تقسیم‌بندی جامع‌تری است؛^۳

برداشت دقیق‌تر از مسئله حقوق خصوصی، به حذف بخشی از اسناد درج شده در کتاب منجر می‌گردید؛ گرچه محقق در مقدمه کتاب، تأکید نموده که اسناد خصوصی را مورد توجه قرار نداده اما بخشی از اسناد خصوصی مورد توجه قرار گرفته و درج شده است. احتمالاً فقدان تعریف روشن از مفاهیم، نقش مهمی در گزینش این‌گونه اسناد داشته است. لازم بود ابتدا مفهوم خصوصی و عمومی تعریف می‌شد که

۱. نک: همان؛ اسناد ۱۱۶/۱ تا ۱۱۶/۳؛ صص ۲۷۳، ۲۷۵ و ۲۸۳.

۲. نک: همان؛ صص ۱۰۴، ۱۰۸ و ۱۱۲.

۳. نک: همان؛ صص ۸۰، ۸۳ و ۱۲۷.

به طور مثال، برقراری حقوق بازنشستگی حسن رشدیه و افزایش آن، از نظر مؤلف محترم، در زمره اسناد خصوصی است یا عمومی که همین شیوه و موارد مشابه در راستای استفاده بهینه دیگر پژوهشگران از ماحصل زحمات مؤلف محترم بسیار مؤثر بود.^۱

نتیجه

هرجا که کنش جمعی صورت می‌گیرد، تنازع، اجحاف، ناکارایی در حوزه کنشگران عرصه خصوصی و بین افراد و نهادها و سازمان‌های بخش عمومی، اجتناب‌ناپذیر است. اصلاح اختلالات اجتماعی، توسعه و بهبود فرایندها، نیازمند اندیشه علمی، بروکراسی حرفه‌ای و سیاست‌گذاری درست و دادگاه منصفانه است. اگر جوامع، خواستار کاهش هزاران شکایت به کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی بوده باشند، باید علل وقوع این رخداد را به صورت جدی بازاندیشی کرد. چرا کثیری از این شکایات در سطح محلی، حل نشده است؟ چرا بسیاری از این دادخواهی‌ها توسط نهادهای حقوقی مورد بررسی قرار نگرفته است؟ چرا نهادهای بازرسی، در سطح محلی کارایی نداشته است؟ کتاب/اسناد قم، شاهد مستندی از وقوع همین رخداد در دوره پهلوی اول می‌باشد. روند ارسال نامه و دیدار حضوری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از ۷۳ سال هم‌چنان ادامه دارد. این کتاب، تصویری از مسائل ایران را در نمای یک شهر کوچک به ما نشان می‌دهد که احتمالاً با بسیاری از مسائل مناطق دیگر و دوران پس از آن، بی‌شبهت نیست؛ ضمن آنکه عدم تفکیک و تحلیل و تبیین اسناد و عدم تعیین حدود و ثغور برخی مصطلحات، از دیگر اشکالات تدوین کتاب حاضر قلمداد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کتابنامه

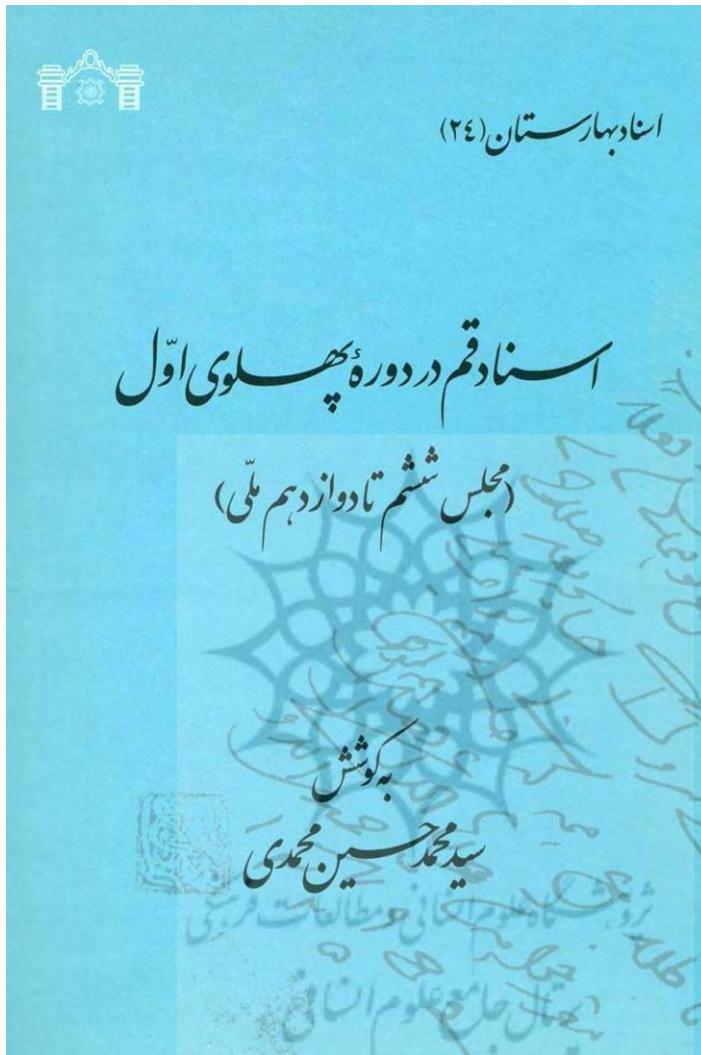
- آل داوود، سیدعلی، اسناد و نامه‌های امیرکبیر (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰).
 آذری شهرستانی، رضا، اسنادی از عملکرد خاندان پهلوی (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۱).
 رجال عصر پهلوی؛ ارتشبهید بهرام آریانا (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱).
 کاپلستون، فردریک، فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم (تهران: سروش، ۱۳۶۲).

اسناد و مطبوعات

- احمدزاده، محمدمیر، «تاریخ‌نگاری سندی»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش: ۱۹۲، اردیبهشت ۱۳۹۳؛ صص ۳۵-۱۹.
 اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران (۱۳۱۷-۱۳۰۱) (تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱).
 «اهمیت اسناد در مطالعات تاریخی (گفت‌وگو با مجید تفرشی)»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش: ۱۹۲، اردیبهشت ۱۳۹۳؛ صص ۱۸-۸.
 شوهانی، سیاوش، «عرایض؛ رهیافتی به تاریخ فرودستان»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر سوم، پاییز ۱۳۸۹؛ صص ۷۸-۴.
 صفائی، ابراهیم، «صندوق عرایض شماره ۴۲»، نگین، ۳۰ آبان ۱۳۴۷؛ صص ۴۰-۳۹.
 ططری، علی، «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش‌های اسنادی»، پیام بهارستان، ش: ۴، تابستان ۱۳۸۸؛ صص ۴۷۶-۴۶۵.
 قطبی، بهروز، گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹، چاپ دوم).
 محمدی، سیدمحمدحسین، اسناد قم در دوره پهلوی اول (مجلس ششم تا دوازدهم ملی) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲).
 نجف‌زاده، علی، «اهمیت و جایگاه اسناد در پژوهش‌های تاریخی»، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش: ۱۹۲، اردیبهشت ۱۳۹۳؛ صص ۷-۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی





پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی